



الدَّرْسُ التَّاسِعُ (دوره کتاب، اسم اشاره، اسم مفرد، مثنی و جمع،
کلمه‌های پرسشی، ضمیر، فعل ماضی)



ثَمَرَةُ الْعِلْمِ، إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. اَلْإِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



الدَّرْسُ التَّاسِعُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۱۹ کلمه)

خواست	طَلَبَ	پایان آخرُ عَمَلِي: آخرین کارم	آخِرَ
با خودش گفت	قَالَ فِي نَفْسِهِ	محکم کرد	أَتَقَنَّ
پذیرفت	قَبِلَ	جواب داد	أَجَابَ
به عنوان آخرین کارش، به عنوان پایان کارش	كَأَخِرِ عَمَلِهِ	داد به او داد «أَعْطَى + هُ»	أَعْطَى أَعْطَاهُ
هنگامی که	لَمَّا	نیازمند	بِحَاجَةٍ
کوشا	مُجِدِّ	بازنشستگی	تَقَاعُدَ
کارخانه	مَصْنَع	خوب، به خوبی	جَيِّدًا
پشیمان شد	نَدِمَ	دید	رَأَى
ای کاش من ساخته بودم!	يَا لَيْتَنِي صَنَعْتُ	خریدن	شَرَاءَ
		ساختن	صُنْعَ

الْإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ

1 كَانَ نَجَّارٌ وَ صَاحِبُ مَصْنَعٍ صَدِيقَيْنِ. ² فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، قَالَ النَّجَّارُ لِصَاحِبِ الْمَصْنَعِ: «أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَى الثَّقَاعِدِ». ³ أَجَابَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ: «وَلَكِنَّكَ مَاهِرٌ فِي عَمَلِكَ وَ نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَيْكَ يَا صَدِيقِي.» ⁴ النَّجَّارُ مَا قَبِلَ. لَمَّا رَأَى صَاحِبُ الْمَصْنَعِ إِصْرَارَهُ؛ قَبِلَ ثَقَاعِدَهُ **5** وَ طَلَبَ مِنْهُ صُنْعَ بَيْتٍ خَشَبِيٍّ قَبْلَ ثَقَاعِدِهِ كَأَخْرِ عَمَلِهِ فِي الْمَصْنَعِ. **6** ذَهَبَ النَّجَّارُ إِلَى السُّوقِ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ لِصُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشَبِيِّ الْجَدِيدِ. ⁷ هُوَ اشْتَرَى وَسَائِلَ رَخِيصَةً وَ غَيْرَ مُنَاسِبَةٍ وَ بَدَأَ بِالْعَمَلِ. ⁸ لَكِنَّهُ مَا كَانَ مُجِدِّدًا وَ مَا كَانَتْ أَخْشَابُ الْبَيْتِ مَرْغُوبَةً.



9 بَعْدَ شَهْرَيْنِ ذَهَبَ عِنْدَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ وَ قَالَ لَهُ: «هَذَا آخِرُ عَمَلِي.» **10** جَاءَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ وَ أَعْطَاهُ مِفْتَاحًا ذَهَبِيًّا وَ قَالَ لَهُ:

11 «هَذَا مِفْتَاحُ بَيْتِكَ. هَذَا الْبَيْتُ هَدِيَّةٌ لَكَ؛ لِأَنَّكَ عَمِلْتَ عِنْدِي سَنَوَاتٍ كَثِيرَةً.» **12** نَدِمَ النَّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ وَ قَالَ فِي نَفْسِهِ: «يَا لَيْتَنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جَيِّدًا!»



13 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ.

اخلاص در عمل

1. نجار و صاحب کارخانه ای دو دوست بودند.
2. در روزی از روزهای نجار به صاحب کارخانه گفت: «من به بازتنگی نیاز دارم».
3. صاحب کارخانه پاسخ داد: «ولی تو در کارت ماهر هستی و ما به نیاز داریم ای دوست من» نجار نپذیرفت.
4. هنگامی که صاحب کارخانه اصرارش را دید، بازتنگی اش را پذیرفت.
5. و از او سافت خانگی چوبی را پیش از بازتنگی اش درخواست کرد به عنوان آخرین کاش در خانه.
6. نجار به بازار رفت برای خرید وسایل برای ساخت خانه چوبی جدید.
7. او وسایل ارزان و نامناسب خرید و شروع به کار کرد.
8. ولی او کوشا نبود و چوب های خانه مرغوب نبود.
9. دو ماه بعد نزد صاحب کارخانه رفت و به او گفت: «این هم از آخرین کارم».
10. صاحب کارخانه آمد و به او طعنه های زیادی داد و به او گفت:
11. «این مله خدات است. این خانه هدیه ای برای توست چرا که تو سال های بسیاری نزد من کار کردی».
12. نجار ششمان شد و با خودش گفت: «ای کاش این خانه را به خوبی ساخته بودم».
13. رسول خدا (ص) فرمود: «جهت خدا بر کسی که (بهرگاه) کاری را برای من داد مان را حاصل کند».

١ التمرين الأول:

با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

١. قَبْلَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ تَقَاعَدَ النَّجَّارُ؛ لِأَنَّهُ كَانَ ضَعِيفًا. 
٢. كَانَ النَّجَّارُ مُجِدًّا فِي صُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشَبِيِّ. 
٣. كَانَ الْبَيْتُ الْخَشَبِيُّ هَدِيَّةً لِلنَّجَّارِ. 
٤. مَا نَدِمَ النَّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ. 
٥. كَانَ النَّجَّارُ مَاهِرًا. 

٢ التمرين الثاني:

با توجه به متن درس، به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

١. بَعْدَ كَمْ شَهْرٍ ذَهَبَ النَّجَّارُ عِنْدَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ؟
بعد شش‌هفت
٢. هَلْ كَانَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ بِحَاجَةٍ إِلَى النَّجَّارِ؟
نعم
٣. مَنْ أَعْطَى الْمِفْتَاحَ الذَّهَبِيَّ إِلَى النَّجَّارِ؟
صاحب المصنع
٤. أَيْنَ ذَهَبَ النَّجَّارُ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ؟
السوق
٥. مَاذَا اشْتَرَى النَّجَّارُ لِصُنْعِ الْبَيْتِ؟
وسائل رخيصة
٦. لِمَنْ كَانَ الْمِفْتَاحُ الذَّهَبِيُّ؟
لِلنَّجَّارِ

۳ التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

در هر مجموعه، کلمه خواسته شده را مشخص کنید.

۱. جمع مذکر سالم: ☐ أَخْشَاب ☒ صَيَادِينَ ☐ وَسَائِل ☐ تَقَاعِد
۲. جمع مؤنث سالم: ☐ أَوْقَات ☐ أَصْوَات ☒ حَزِينَات ☐ أَبْيَات
۳. جمع مکسر: ☐ فُسْتَان ☐ حَدِيقَتَانِ ☐ حَقِيبَةٌ ☒ أَوْلَاد
۴. مفرد مذکر: ☒ بَيْت ☐ سَمَكَةٌ ☐ صَدِيقَةٌ ☐ سَفِينَةٌ
۵. مفرد مؤنث: ☐ مَصْنَع ☐ مُجَدَّتَيْنِ ☐ مِفْتَاح ☒ هَدِيَّة
۶. مثنی مذکر: ☐ خُسْرَان ☐ بُسْتَان ☒ فَلَّاحَانِ ☐ نِسِيَان
۷. مثنی مؤنث: ☒ أُخْتَيْنِ ☐ لِسَان ☐ مَوَاعِظ ☐ يَمِين

۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید، سپس زیر فعل‌ها خط بکشید.

۱. أَأَنْتَنْ عَرَفْتَنْ أَوْلَئِكَ الْبَنَاتِ؟ آیا شما آن دختران را شناختید؟

۲. أَنَا فَرِحْتُ مِنْ نَجَاحِ أَصْدِقَائِي. من از موفقیت دوستانم شادمان شدم.

۳. هُنَّ نَظَرْنَ إِلَى اللَّوْحَةِ الْجَمِيلَةِ. آن به تابلو زیبا نگاه کردند.

۴. هِيَ مَا ذَهَبَتْ إِلَى بَيْتِ جَدَّتِهَا. او به خانه مادر بزرگش نرفت.

۵. أَنْتُمَا صَنَعْتُمَا كُرْسِيِّنِ خَشَبِيَّيْنِ. شما دو نفر دو صندلی چوبی ساختید.

۶. أَنْتَ قَذَفْتَ شَبَكَةً لِيَصِيدَ الْأَسْمَاكِ. تو تور را برای شکار ماهی انداختی.

۷. الْجَوُّ بَارِدٌ، فَلَبِسْنَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً. هوا سرد است پس لباس های مناسب پوشیدیم.